



علی سهرابی

معرفی روستای «تکه» زادگاه سرسبز ورزشکاران و شهیدان

اشاره

معرفی روستاهای شهرستان نهاوند، به خصوص توسط افرادی که از همان روستا برخاسته باشند، یکی از برنامه‌های فصل‌نامه‌ی «فرهنگان» است، با هدف ثبت و ضبط موقعیت جغرافیایی، دوره‌های تاریخی، جغرافیای انسانی، آداب و رسوم، صنایع دستی و شخصیت‌های برجسته و مؤثر روستا.

بی شک ثبت هویت و موجودیت یک روستا که موجب رشد جنبه‌های فرهنگی‌ست، هم برای کسانی که هنوز در روستا ساکن‌اند و هم برای افرادی که از روستا خارج شده‌اند و دلشان در گرو خاطرات و دلبستگی‌های فرهنگی روستای خویش است، بسیار اهمیت دارد و می‌تواند در حفظ احساس تعلق خاطر اهالی یک روستا به سرزمین و زادگاهشان، در هر گوشه‌ی از دنیا که باشند، مفید و مؤثر باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی
«فرهنگان»

مقدمه

روستای تکه در هشت کیلومتری بخش مرکزی نهاوند به سمت جاده بروجرد واقع شده و دارای ۸۰۰ نفر سکنه است، که حلقه‌ی اتصال چندین روستاست و همسایگان آن، روستاهای فیازمان، قلعه ذرتی، امیرآباد، دره ابراهیم و بیان هستند.

شغل اصلی مردم روستا باغداری، کشاورزی، مشاغل دولتی و خدماتی است. درخصوص گذشته‌ی دور این روستا اطلاعات چندانی در دست نیست ولی روستای جدید حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد. به گفته‌ی بزرگان محل، گویا بر اثر زلزله‌ای قوی به کلی از بین رفته است و بعضی از آثار و اسکلت انسان‌ها و ظروف سفالی مربوط به هزارسال پیش صحت این گفته را تأیید می‌کند. همچنین زلزله‌ی مهیب سال ۱۳۳۶ که نود درصد روستا را ویران کرد و زلزله‌خیز بودن آن در سال‌های اخیر و روی



گسل بودن روستای تُگه، این حدس و گمان‌ها را به یقین تبدیل کرده است.

مالک روستا در دوران قاجار شخصی به‌نام مهدی مولوی، از روحانیون و بزرگان شهر بوده است. اما مرحوم مولوی که اهل ذوق و

عرفان و مردم‌دار و با ایمان بود، بعدها در یک توطئه توسط همایون میرزا و یا محمود میرزا شاهزاده‌ی قاجاری، حاکم وقت نهادند، به قتل می‌رسد، به طوری که شرح این حادثه در کتاب جغرافیای نهادند، صفحه ۲۸۵ و حدیقه‌الشعراى سید احمد دیوان بیگی شیرازی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۷۲ توضیح داده شده است.

مالک روستا باغ بسیار خوب و زیبای پر میوه‌ای به مساحت یک هکتار را برای اولین بار در پایین روستا احداث می‌کند، که بعدها به مکانی تفریحی تبدیل می‌شود و تنها باغ بیش از ۲۰ روستا در منطقه‌ی بالای نهادند بوده است. این باغ قدیمی تا سال ۱۳۶۸ وجود داشت ولی درختان آن توسط برادران سهرابی، مالکان فعلی باغ، به

علت پیر بودن قطع شد و باغ جدیدی را در آن احداث کردند. البته دو درخت توت به قطر بیش از دو متر در پایین باغ هم‌چنان وجود دارد.

از دیگر آثار موجود در روستای تگه، تپه‌ی قدیمی در نزدیکی این باغ بود که متأسفانه در چند سال گذشته تبدیل به چندین منزل مسکونی گردید. احداث زیباترین و بزرگ‌ترین باغ مکانیزه‌ی استان همدان در دوران پهلوی، که اولین تجربه‌ی موفق مهندسان ایرانی و آمریکایی، با سرپرستی مهندس متین از همشهریان و مهندس راجرز آمریکایی بود، از دیگر آثار در روستای تگه است. این باغ به باغ مالکی معروف بود و صاحب آن مرحوم جواد ظفری پسر ظفر سلطان بود، ولی بعدها به دو برادر به نام‌های حاج عباس و حاج کریم سهرابی با ۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۶۹ فروخته شد. مساحت این باغ ۴۰ هزار مترمربع است و هنوز هم در نوع خود یکی از بهترین باغ‌های نهاوند است و سالانه بیش از ۲۰۰ تن انواع میوه را تولید می‌کند.

آقای میرحیدر سهرابی عضو هیئت مذهبی شهرستان نهاوند و رئیس شورای اسلامی روستای تگه، که از سال ۱۳۶۲ تاکنون سابقه‌ی خدمت در این روستا را دارد، تگه را این‌گونه برای خوانندگان فرهنگیان معرفی می‌کند:

روستای تگه در زبان لری به معنای «ته آب» است، زیرا در آخر نهر آب روستای بالا دست «بیان» قرار گرفته است. البته در فرهنگ لغت دهخدا به نام روستای در حال رشد و تکوین است. بنا بر گفته‌ی آقای سهرابی و اهالی روستا، قبل از انقلاب در گود برداری از حمام خزینه‌ای این روستا، خمره‌ای بسیار بزرگ پیدا شد که گویا جای ذخیره‌ی مواد خوراکی گذشتگان بوده است که توسط کدخدای وقت و انجمن روستا به میراث فرهنگی تحویل می‌شود و دیگر خبری از آن منتشر نمی‌گردد.

همچنین وجود چندین درخت کهن سال توت در پایین روستا از تاریخ کهن روستا خبر می‌دهد. اما روستای تگه به دلیل وقوع چندین زلزله‌ی سخت تخریب

شده است. آخرین زلزله در سال ۱۳۳۶ اتفاق افتاد و روستا ۹۰ درصد تخریب شد. شیر و خورشید سرخ آن زمان و تعدادی از خیرین خانه‌های معروف به شیر و خورشید، با خشت و گل تعداد بیست واحد ۴۰۰ متری به همراه یک باب مدرسه ابتدایی سه کلاسه ساختند. در این سال جمعیت روستا کمتر از ۲۰۰ نفر بود. در سال ۱۳۳۸ اولین حمام در روستا ساخته شد. در همین سال پنجاه نفر از روستای مگسان بروجرد به این روستا مهاجرت کردند.

در دهه‌ی ۱۳۲۰ بارها روستا مورد غارت یاغی‌ها و نیروهای اجنبی روسی قرار گرفت. مردم روستای تُکّه، به همراه فرمانده هنگ ژاندارمری وقت نهاوند، سروان مجیدی معروف به سلطان، با تعدادی سرباز و با اهالی روستاهای هم‌جوار غارتگران و اشرار را در منطقه‌ای مابین مرز استان لرستان و نهاوند، معروف به چال‌خاه، تحت تعقیب قرار می‌دهند و وسایل سرقتی مردم و تنها گروگان را، که شخصی به نام ابراهیم سهرابی فرزند کدخدای روستا بود، نجات دادند ولی متأسفانه سروان مجیدی به دست اشرار کشته شد و اهالی روستا او را که فرماندهی خوب و مردمی بود شهید می‌دانند و برای او مراسم یاد بود گرفتند.

در سال ۱۳۴۲، مانند سایر نقاط کشور، طرح اصلاحات ارضی در روستای تُکّه اجرا شد. بعدها توسط مهندسین امریکایی و مالک روستا (جواد ظفری و مهندسین ایرانی) بزرگ‌ترین باغ زیبای استان همدان به مساحت ۴۰ هزار متر مربع با انواع درختان میوه به سبک علمی در تُکّه احداث شد. همچنین در سال ۱۳۴۳ شرکت تعاونی خيام تُکّه با سی سهام ۲۰۰ تومانی به ارزش ۶۰۰۰ تومان توسط سازمان تعاون روستایی آغاز به فعالیت کرد.

آقای سهرابی می‌گوید: روستای ما، قبل از انقلاب دارای جاده‌ای خاکی بود و فاقد آب بهداشتی سالم، مخابرات، برق و سایر امکانات بود. ولی به لطف خدا و

انقلاب و رشادت‌های سردار(شهید) حیدر سهرابی ورزشکار و الله‌مراد نادری و بسیجی (شهید) علی پیرزادی و ده‌ها رزمنده‌ی جانباز و آزاده و جوانان تحصیل کرده و به همّت مردم و مسئولین خدمتگزار امکاناتی مانند آب شرب بهداشتی، برق، گاز، تلفن، پست، بانک، جاده‌ی آسفالته، نانوائی، کتابخانه، پایگاه بسیج، مسجد زینبیه، زمین فوتبال، مدرسه‌ی راهنمایی و ابتدایی، خانه‌ی بهداشت، زمین‌های یکپارچه‌ی کشاورزی و کانال بتونی آب کشاورزی فراهم گردید.

همچنین در دولت نهم و دهم حدود ۱۴۰ واحد مسکونی مقاوم سازی شده‌اند. رئیس شورای اسلامی روستای تُکه می‌گوید: خواسته‌ی مردم و جوانان از دولت و

روستای تکه اردیبهشت ۱۳۹۲



مسئولان کمک به ساخت خانه‌ی عالم و احداث سالن ورزشی چندمنظوره است، با توجه به وجود جوانان ملی پوش دو و میدانی، مانند آقایان کرم سهرابی،

مسعود سهرابی، رضا سهرابی، محسن پیرزادی، جواد سهرابی و امیرمحمد سهرابی و نیز کشتی‌گیرانی مانند ایمان احسانی، فرهاد زرینی و تیم فوتسال و فوتبال شهدای تُکه، که چندین قهرمانی شهرستان و منطقه را در کارنامه‌ی خود دارند.

آقای سهرابی در پایان گفت: حضور جوانان تحصیل کرده‌ی این روستا در عرصه‌های مدیریتی و به‌خصوص فرهنگی و اطلاع رسانی شهرستانی، استانی و کشوری و بین‌المللی ورزشی و گرایش به تحصیلات دانشگاهی و برپایی بزرگ‌ترین نمایشگاه نمونک‌گلی غرب کشور در ایام محرم، ساخت بیش از چهار فیلم مستند سی دقیقه‌ای و پخش از

شبکه‌های سراسری در خصوص فعالیت و رشادت‌های مردم، فقط گوشه‌ای از اقدامات انجام شده است و جا دارد از بزرگان اهالی و جوانان تشکر کنم.

روستای تُگّه با بیش از ۱۰ عنوان قهرمانی و ۴۰ سال سابقه‌ی فوتبال قطب ورزش استان است.

فوتبال در روستای تُگّه‌ی نهاوند چهل سال قدمت دارد. گسترش این رشته‌ی ورزشی مدیون فوتبالیست (شهید) الله‌مراد نادری و (شهید) علی پیرزادی‌ست. در آن دوران بیشتر جوانان روستا بازی‌های بومی و محلی مانند هفت‌سنگ، دالپلان، توپ زیرچوب، دو و پرش ارتفاع را فقط در ایام عید نوروز و فصل پاییز انجام می‌دادند ولی با مهاجرت (شهید) نادری به تهران و آشنا شدن با فوتبال و تعلیم آن در روستا، کم‌کم جوانان به آن علاقه‌مند شدند.



آقای احمدعلی پیرزادی پیش‌کسوت و مربی فوتبال روستای تُگّه در این مورد می‌گوید: در ابتدا (شهید) نادری و بعدها (شهید) پیرزادی و برادر دیگرم عبدالعلی

پیرزادی و بعدها افراد دیگری به ما پیوسته و بیش از شصت نفر شدند. آقای پیرزادی می‌گوید (شهید) نادری عضو تیم فوتبال محلات و صدا و سیمای تهران بود و بعدها در تیم امیدیه‌ی اهواز و پایگاه نوژه‌ی همدان بازی کرد و در نوزده سالگی به شهادت رسید.

(شهید) علی پیرزادی نیز در تیم روستا بازی می‌کرد و در کربلای شلمچه شهید شد. پیرزادی می‌افزاید: در ابتدا دو تیم استقلال و پرسپولیس داشتیم. بعدها تیم جوانان و امید، همچنین در دهه‌ی ۷۰ تیم‌های پیام مقاومت شهدای تگه، شهید نادری، شهید سهرابی، شهید پیرزادی، شهدای تگه، ملی پوشان تگه، کانون فرهنگی و هنری، پایگاه بسیج شهدای تگه، بهنام تگه، جام جم و خبرنگاران تشکیل شدند که متأسفانه به علت کوچ و مهاجرت جوانان، هم اکنون فقط تیم‌های فوتبال و فوتسال شهدای تگه، کانون مسجد و پایگاه بسیج فعال هستند و بعضی از تیم‌ها نیز به صورت موردی و در ایام نوروز تشکیل می‌شوند.

پیرزادی در پایان گفت: تیم فوتبال و فوتسال روستای تگه سابقه‌ی بیش از ده بار عناوین اول تا چهارمی را در استان و شهرستان دارد و اخیراً نیز جوانان روستای تگه‌ی مقیم تهران و شهرهای اطراف آن تیمی با نام دلاوران تگه



تشکیل داده‌اند که سال گذشته در بین شرکت‌های ایران خودروی تهران قهرمان شد. لازم است یادآوری شود روستای تگه در ابتدا، زمین فوتبالش خاکی، غیراستاندارد و کوچک بود، ولی از سال ۱۳۶۵ با اهدای یک قطعه زمین به مساحت ده هزار مترمربع دارای زمین فوتبالی با ابعاد قانونی شد و اینک امیدواریم مسئولان در تکمیل و تجهیز آن اقدام کنند. ورزش دوومیدانی و کشتی روستای تگه نیز در سطح ملی و استانی قهرمانانی داشته است از جمله: کرم سهرابی، مسعود سهرابی، امیرمحمد سهرابی، محسن

پیرزادی، رضا سهرابی، ایمان احسانی، فرهاد زرینی و علیرضا فلکدین، که عناوینی آسیایی، کشوری و استانی کسب کرده و تحویل جامعه‌ی ورزش شهرستان داده‌اند.

نمایشگاهی از جنس محرم که بیش از ۲۵ هزار بازدید کننده دارد

نمایشگاه «از بقیع تا کربلای روستای تُگه» ویژه‌ی ماه محرم که سابقه‌ای شانزده ساله دارد، هر سال در ایام محرم توسط جوانان این روستا برگزار می‌شود و در سال‌های اخیر بیش از ۲۵ هزار بازدید کننده داشته است.

علی‌کرم پیرزادی مسئول برگزاری این نمایشگاه، به همراه بیش از ۵۰ نفر دیگر،



ده روز قبل از فرارسیدن ماه محرم، کار ساخت این نمایشگاه را آغاز می‌کنند. وی در این خصوص گفت: که شبیه سازی ماکت گلی شهرهای کوفه، کربلا، میدان کارزار، صحرای کربلا، قبرستان بقیع، حرم امام

حسین(ع) و حضرت عباس(ع)، شهر شام، مرکز خلافت یزید، نهر علقمه و حرکت کاروان اسرای کربلا را به سبک معماری قدیم آن دوران، با استفاده از خشت، گل، چوب، سنگ و آجر باز سازی می‌کنیم که مورد استقبال عموم مردم قرار می‌گیرد.

همچنین در کنار برپایی این نمایشگاه، عکس‌های شهدای جنگ تحمیلی، که در نوع خود بی‌نظیرند، نمایش داده می‌شود، به طوری که میهمانانی از استان‌های تهران، البرز، کرمانشاه، زنجان، خوزستان، همدان، لرستان و سایر نقاط کشور به محل برگزاری نمایشگاه می‌آیند و خاطره‌ی خود را در دفتر نمایشگاه ثبت می‌کنند.

آقای پیرزادی ادامه داد: ساخت اولیه‌ی این نمایشگاه را آقای علی سهرابی پیشنهاد داد که مورد قبول اهالی روستا و به‌خصوص نسل جوان قرار گرفت. پیرزادی در گزارش مفصل خود به خبرنگار ما افزود: جوانان عضو هیئت حضرت ابوالفضل العباس(ع)، پایگاه بسیج شهدا کانون هلال احمر و کانون فرهنگی و هنری روستای تگه، سامانه‌ی پیامکی تبلیغات مناسب تلویزیونی و نشریات و سایت‌ها موفق شدند مردم برای بازدید از این نمایشگاه ترغیب کنند.

وی همچنین بیان داشت فرماندار نهاوند به همراه معاون و بخشدار مرکزی در روز تاسوعا و امام جمعه‌ی نهاوند به همراه مدیر اداره‌ی تبلیغات اسلامی شهرستان نهاوند و فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی و مدیران جهاد کشاورزی و مدیر حراست مخابرات استان همدان و مدیر کانون فرهنگی و هنری مساجد نهاوند و مدیرانی از سایر استان‌ها در این نمایشگاه حضور یافتند و از آن بازدید کردند.



مدیر نمایشگاه «از بقیع تا کربلای روستای تگه» گفت: حجت الاسلام و المسلمین مغیثی امام جمعه‌ی نهاوند این نمایشگاه را در نوع خود بسیار جالب توجه و کم نظیر توصیف کرد و خطاب به مسئولان

برپاکننده‌ی نمایشگاه و حاضران اظهار داشت: مطمئن باشید این کار فرهنگی و مذهبی شما نزد خداوند بدون اجر نخواهد ماند. این نمایشگاه مردم را به یاد مظلومان حادثه‌ی کربلا می‌اندازد و امیدوارم هر سال این کار را ادامه دهید. وی بخش

عکس شهدای تحمیلی را نیز خوب توصیف کرد و گفت نسل جوان ما باید بدانند شهدای ما ادامه دهنده‌ی راه شهدای کربلا هستند.

آقای مولوی فرماندار نهاوند نیز، نمایشگاه تَکّه را نمونه‌ی خوبی از فرهنگ‌سازی قیام کربلا و جنگ تحمیلی دانست و گفت امیدوارم از این نمایشگاه در سال‌های بعد در سایر نقاط استان الگو برداری شود. وی استفاده‌ی جوانان از معماری و سبک آن دوران را، که در ساخت این نمایشگاه به کار رفته است، بسیار کم نظیر و جذاب توصیف کرد و به تمام عوامل برگزاری نمایشگاه خدا قوت جانانه گفت. مسئولان و مدیران استانی و شهرستانی نیز یادداشت‌های تحسین‌آمیزی را در دفتر نمایشگاه به ثبت رساندند.

پیرزادی گفت: امام جمعه، فرماندار و تعدادی از مسئولان و مدیران، نهار و شام را (در محرم سال ۱۳۹۲) میهمان نذری سیدالشهدا و مسئولان برپایی نمایشگاه بودند. از حاشیه‌های جالب این نمایشگاه ویزیت رایگان مردم توسط دکتر عین‌علی نوابی مسئول درمانگاه سپاه نهاوند در شب شام غریبان امام حسین (ع) بود.

در روز تاسوعا و عاشورا و در سومین روز شهدای حادثه‌ی کربلا شاهد ترافیک سنگینی، حدود ۱۵۰۰ متر، در داخل و بیرون روستا بودیم که با حضور فرماندهی پلیس راهور نهاوند و کارکنان پرتلاش وی، بار ترافیکی کاهش یافت. افرادی که در نمایشگاه به صورت شبانه روزی کار می‌کردند در سه نوبت کاری به مدت سیزده روز فعالیت داشتند. برپایی ایستگاه صلواتی و نذری دادن خرما، حلیم، شیر، شربت و چای به بازدیدکنندگان از دیگر اقدامات خوب جوانان روستای تَکّه بود.

از دیگر نکات جالب توجه نمایشگاه پر شدن دو دفتر یادداشت یکصد برگ از نظرات مردمی بود که برای مسئولان برپاکننده‌ی نمایشگاه دل‌گرم‌کننده بود و

استفاده از این نظرات مردمی و راهنمایی بازدیدکنندگان را مغتنم می‌شمردند و آن‌ها را مهم‌ترین دلیل موفقیت خود از شانزده سال پیش تاکنون می‌دانستند.

نورپردازی خوب محل مناسب نمایشگاه در کنار گلزار شهدا و رعایت بهداشت محیط نمایشگاه و شئون اسلامی توسط بانوان و جوانان از دیگر نکات قوت این مکان بود. بازدیدکنندگان کمک‌های نقدی و جنسی خود را برای برپایی سال آینده‌ی نمایشگاه به مدیر نمایشگاه تحویل می‌دادند. نصب ایستگاه خبر انتشار نمایشگاه در روزنامه‌ها و سایت‌ها و تحویل سی‌دی آن به تعدادی از بازدیدکنندگان و توزیع بروشور و عکس از موقعیت حادثه‌ی کربلا باعث شد تعدادی از بازدیدکنندگان، این نمایشگاه را بالاتر از حد انتظار خود توصیف کنند. ساخت مستند آن برای شبکه‌های سراسری سیما و استان و حضور خبرنگاران و عکاسان در نمایشگاه نیز تازگی و جذابیت داشت.

پیرزادی گفت: از دیگر رسم‌های مردم روستای تکه در ماه محرم و صفر، نذری دادن روزانه است. همچنین مراسم نعل‌گردانی امام حسین (ع) در سومین شب محرم و در شام غریبان، که با شمع‌گردانی به دور روستا همراه بود. این رسم منحصر به فردست و به روستای تکه اختصاص دارد و بیش از پنجاه سال است که رواج دارد.

حضور هیئت حضرت ابوالفضل (ع) روستای تکه در بعد از ظهر عاشورا در کنار امامزاده ابراهیم، در روستای دره‌ابراهیم و پخت آبگوشت شام غریبان، از رسوم دیگر روستای تکه در ماه محرم است. جمع‌آوری کمک برای عمران روستا و افراد نیازمند در روز عاشورا و ساخت خیمه‌گاه و استفاده از اسب و شتر در این مراسم و مراسم تعزیه خوانی و داستان خوانی واقعه‌ی کربلا توسط بزرگان روستا در طول ایام محرم از رسوم دیگر خوب مردم روستای تکه است.

هرسال بیست نفر از فعالان فرهنگی مذهبی و ورزشی روستای تکه تجلیل می‌شوند

حجت‌الاسلام سهرابی یکی از روحانیون اهل روستای تُکّه‌ی مقیم استان البرز، ضمن تقدیر از برگزارکنندگان این مراسم، چنین اقدامی را برای نسل گذشته و حال ارزشمند و وحدت بخش توصیف کرد و گفت: روستای تُکّه هرچند جمعیتی بیش از ۸۰۰ نفر ندارد ولی به لحاظ حضور جوانان موفقش در عرصه‌های فرهنگی، مذهبی و ورزشی در کشور شهرت یافته است، به طوری که توجه خبرنگاران، روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی را به خود جلب کرده و تا کنون چندین فیلم مستند از آن در شبکه‌های اول، دوم، سوم و استانی پخش گردیده است.

حجت‌الاسلام سهرابی ادامه داد: جوانان و نوجوانان روستای تُکّه در چند سال اخیر خیزش خوبی به سمت حفظ قرآن داشته‌اند و چندین سال است که کلاس‌های گفتمان دینی و شبهه‌شناسی شهرستان نهادند در این روستا برگزار می‌شود و مورد استقبال مردم و مسئولان قرار می‌گیرد. وی بیان داشت: وقتی از بزرگان و نوجوانان نمونه‌ی روستا تقدیر می‌کنیم، در واقع با این کار فرهنگی مذهبی برای جوانان الگوسازی کرده‌ایم.

در پایان مراسم، از برترین‌های روستا در عرصه‌های ورزشی، فعالیت‌های قرآنی، اذان و اقامه، برپایی نماز اول وقت، همچنین از مداحان اهل بیت، تلاشگران آبادانی روستا، خواهران و برادرانی که در مسابقات مختلف در سطح استان و شهرستان مقام کسب کرده بودند، با دادن لوح تقدیر و هدایا قدردانی به عمل می‌آید.

این روحانی روستای تُکّه ادامه داد: من ساکن کرج هستم ولی به سبب علاقه‌ای که به مردم با فرهنگ تُکّه دارم در تمامی مراسم این روستا شرکت می‌کنم، از جمله برگزاری مراسم سال تحویل روستا در مسجد و کنار گلزار شهدا و در مزار درگذشتگان، دیدار از فامیل و خویشاوندان، برگزاری مسابقات ورزشی ویژه‌ی جام

نوروز و احترام به بزرگان. نظم و انضباط در این مراسم و مناسبات ملی و مذهبی زیانزد خاص و عام است، به طوری که از مسئولان نهادند نیز در آن حضور پیدا می‌کنند. گفتنی است اولین مراسم تجلیل از پیرغلامان و خادمان مسجد و قاریان قرآن استان همدان با حضور مسئولان فرهنگی شهرستان نهاوند در روستای تگه برگزار شد و هزینه‌ی آن توسط خیرین و جوانان پرداخت گردید و هر ساله این مراسم در روز نیمه‌ی شعبان در مسجد روستا برگزار می‌گردد.

بهمن ۹۱ کانون هلال احمر روستای تگه افتتاح شد

در بهمن سال ۱۳۹۱، کانون هلال احمر روستای تگه همزمان با ورود کاروان



نیکوکاری به این روستا، با حضور رئیس جمعیت هلال احمر نهاوند، فرمانده حوزه‌ی حاج همت شعبان، اعضای شورای اسلامی، نوجوانان و اهالی روستا، افتتاح شد. در مراسم افتتاح کانون جوانان

هلال احمر روستای تگه، آقای محمدتقی شهبازی رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان نهاوند، ضمن اشاره به دلاورمردی‌های جوانان روستای تگه در طول دوران دفاع مقدس و درخشش نسل جدید روستای تگه در عرصه‌های بین‌المللی ورزش و تحصیلات دانشگاهی، گفت: با توجه به زلزله خیز بودن روستای تگه و مرکزیت آن در میان چند روستا و خرابی این روستا بر اثر زلزله در سال ۱۳۳۶ لازم و ضروری است که برای مواقع بحرانی دو تیم امدادی خواهران و برادران در سطح روستا تشکیل شود تا در وضعیت بحرانی و خطرناک بتوانند به مردم کمک کنند.

شهبازی افزود: جوانان روستای تُکّه با طی کردن آموزش‌های لازم و حضور فعال در این کانون، می‌توانند نیروی امدادی خوبی برای چندین روستا شوند. در ادامه‌ی



این مراسم، حجت الاسلام امیری مسئول طرح صالحین سپاه نهاوند، ضمن گرامی‌داشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، حضور نهادهایی مانند سپاه، جمعیت هلال احمر و کانون فرهنگی و هنری مساجد

و سایر ارگان‌ها را، که با همبستگی کامل کار می‌کنند، مایه‌ی خیر و برکت در روستاها دانست. وی ادامه داد: شما مردم و جوانان روستای تُکّه بدانید این‌ها همه به برکت خون شهدا و همت مسئولان و شما مردم عزیز است.

در پایان، از بسیجیان و اعضای نمونه‌ی کانون فرهنگی و هنری مسجد امام حسین (ع)، پایگاه شهدای تُکّه، نوجوانان موفق روستا و دانش‌آموزان دبستان شهید ثانی و گروه سرود پایگاه بسیج حضرت معصومه (س) تُکّه با دادن هدایایی (به تعداد ۴۵ نفر) قدردانی شد.

یادآوری می‌شود باگذشت یک سال چندین دوره کلاس امداد و نجات ویژه‌ی خواهران و برادران در این روستا برگزار گردید و وبلاگ هلال تُکّه به آدرس www.helaltokeh.blogfa.com بر روی اینترنت قرار گرفت.

زاغهی قدیمی در روستای تُکّه‌ی نهاوند پیدا شد

حاج نورمراد پیرزادی عضو سابق شورای اسلامی روستای تُکّه درباره‌ی این زاغهی قدیمی، که در داخل حیاط خانه‌اش پیدا شده بود، اظهار داشت: فرزندانم مشغول

حفر چاه بودند، پس از این که به عمق پنج متری رسیدند ناگاه متوجه تونلی شدند شامل دو زاغهی قدیمی که شاید مربوط به شصت سال پیش بوده است، هر کدام نزدیک به ۱۲ متر طول و ۲ متر ارتفاع داشتند و از آنها برای نگه‌داری گاو و گوسفند در پاییز وزمستان استفاده می‌شده است.

پیرزادی ادامه داد: در این دو زاغہ چندین آغل برای ریختن کاه و جو برای حیوانات وجود داشت و ما برای جلوگیری از زلزله و تخریب حیاط منزل آنها را مسدود کردیم.



وی که بیش از هفتاد سال سن دارد، افزود: در زمان قدیم، که امکانات مانند امروز نبود، برای جلوگیری از سرقت احشام، مانند گوسفند و گاو و نگه‌داری آنها در فصول سرد سال، زاغہ‌هایی را

مانند طویله‌های امروزی در چندین مترد اعماق زمین حفر می‌کردند و تقریباً در تمامی روستاهای نهایند این چاره‌اندیشی وجود داشت تا به موقع خطر و حمله‌ی دشمن و غارتگران و یاغی‌ها افراد خانواده در آن پناه بگیرند. یادآوری می‌شود این زاغهی قدیمی به دلیل این که در وسط حیاط قرار داشت و با خطر ریزش خانه همراه بود، با خاک پر شد ولی از آن عکس گرفته شده است.

با اعتبار ۶۰ میلیون ریالی زکات کشاورزان روستای تُگه، سالن رو باز ۱۴۰ متری احداث شد

محسن پیرزادی دهیار روستای تُگه با اعلام این خبر به وبلاگ خبری تُگه اظهار داشت: از محل جمع‌آوری زکات محصولات کشاورزی کشاورزان روستا و از اهالی و افراد خیر تُگه با همکاری کانون فرهنگی و هنری و پایگاه بسیج و جوانان این روستا به مناسبت دهه‌ی کرامت و ولادت امام رضا(ع) سالن روبازی با مساحت ۱۴۰ مترمربع در محل گلزار شهدای روستای تُگه جهت برگزاری مراسم و برنامه‌های فرهنگی و مذهبی به بهره‌برداری رسید.

وی گفت: از این پس می‌توان نمایشگاه از مدینه تا کربلا را که بزرگ‌ترین نمایشگاه نمونک گلی استان همدان است و در ایام محرم برپاست، در این مکان برگزار کرد. وی افزود همچنین سایر برنامه‌های ملی و مذهبی روستا را می‌توان در این مکان برگزار کرد. پیرزادی در پایان گفت: روستای تُگه مردم و جوانان با فرهنگی دارد ولی با وجود داشتن چندین قهرمان ملی و کشوری و استانی در رشته‌های ورزشی دو و میدانی کشتی و فوتبال و فوتسال متأسفانه روستای تُگه سالن ورزشی ندارد.

روستای تُگه تنها روستای نه‌اوند است که دارای وبلاگ و نشریه با مجوز است
روستای تُگه در عرصه‌ی اطلاع‌رسانی اینترنتی و نشریه‌ای، بسیار فعال است به طوری که بیش از چهار خبرنگار فعال شهرستان نه‌اوند (خبرنگاران صدا و سیما خبرگزاری فارس، برنا، ماهنامه‌ی فریاد نه‌اوند و روزنامه‌ی ورزشی گل و باشگاه خبرنگاران جوان) از اهالی این روستا هستند.

بر همین اساس توسط تعدادی از جوانان دختر و پسر با هماهنگی و مدیریت آقای علی سهرابی ماهنامه‌ی «نسیم تگه» و «بصیرت جوان» با مجوز کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد نهاوند و «ستراگ کوثر» با مجوز اداره‌ی تبلیغات اسلامی در



این روستا و برای شهرستان منتشر می‌شوند.

امسال نشریه‌ی «ستراگ کوثر» روستای تگه در استان رتبه‌ی ممتاز نشریات تجربی را کسب کرد.

همچنین وبلاگ‌های «روستای تگه» به آدرس www.tokeh.blogfa.com

وبلاگ «کانون جوانان هلال احمر تگه» به آدرس

www.helaltokeh.blogfa.com

وبلاگ «کانون فرهنگی و هنری شهیدای تگه» به آدرس www.sohtokeh.blogfa.com

«خواهران بسیج» از دیگر وبلاگ‌های فعال این روستا در عرصه‌ی سایبری هستند.

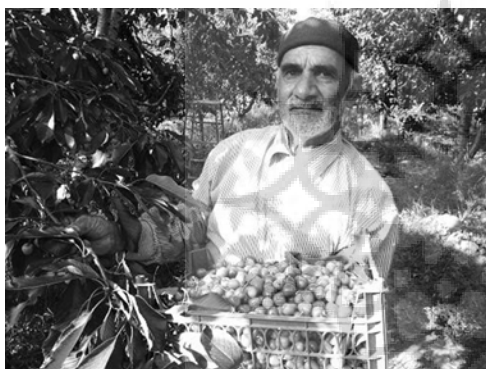
همچنین تمامی فیلم‌های مربوط به مراسم روستای تگه، که از شبکه‌های سراسری و استانی پخش شده‌اند، در وب سایت آپارات قابل مشاهده و دانلود هستند و به آدرس ویدئوهای علی سهرابی (www.aparat.com) قابل دریافتند.

یادآوری می‌شود روستای تگه دارای کانون فرهنگی و هنری و کتابخانه با ۳۰۰ عضو خواهر و برادر و بیش از دو هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف است که زیر نظر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد ارشاد نهاوند اداره می‌شود.

همچنین دو پایگاه مجزای بسیج خواهران و برادران و هرکدام با بیش از ۳۵۰ عضو مشغول فعالیت‌اند. به تازگی کانون جوانان هلال احمر با ۱۰۰ عضو خواهر و برادر نیز شروع به فعالیت و عضو گیری کرده است.

همچنین سازمان تبلیغات اسلامی به دنبال احداث خانه‌ی عالم و کانون قرآن روستایی در روستای تُکّه است. هر ساله، کلاس‌های تابستانی سپاه کانون مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی در روستای تُکّه، که شامل کلاس‌های فرهنگی مذهبی و ورزشی‌اند، در روستای تُکّه فعالیت دارند و سه سال است مراسم اختتامیه‌ی کلاس‌های تابستانی شهرستان نهاوند با حضور مسئولان شهرستان در روستای تُکّه برگزار می‌شود.

کشاورزان و باغداران روستای تُکّه در استان نمونه‌اند



روستای تُکّه از موهبت‌های الهی برخوردار است، به طوری که انواع میوه‌ها و محصولات کشاورزی از زمین‌ها و باغات آن برداشت می‌شود. به گفته‌ی حاج کریم سهرابی باغدار و کشاورز نود ساله‌ی روستای تُکّه زیباترین باغ مکانیزه جدید در سال

۱۳۴۲ با کمک مهندسان ایرانی و غیرایرانی توسط مالک وقت روستا، مرحوم جواد ظفری، در روستای تُکّه به مساحت ۴۰ هزار متر مربع احداث شد.

از مهم‌ترین محصولات باغی روستای تُکّه انواع بادام، سیب تابستانی و پاییزه، گلابی، زردآلو، آلو، گردو، هلو زعفرانی و انجیلی، گیلاس، انواع انگور پیش‌رس و پاییزه، بود و در زمینه‌ی کشاورزی و جالیزی محصولاتی مانند گندم، جو، یونجه، گشنیز، انواع لوبیا و نخود، گوجه، پیاز، شلغم، سیب زمینی، خیار، کدو و تعدادی از

گیاهان دارویی از مهمترین محصولات تولید شده در عرصه‌ی کشاورزی در روستای تُگه اند.

این روستا دارای بیش از ۲۵۰ هکتار باغات و زمین زراعی با دو چاه عمیق و درصدی از آب گاماسیاب است و در سال‌های اخیر نهر سنتی این روستا کانال بتونی شد (که حدود ۶۰۰ متر آن به علت کمبود بودجه تعطیل شده است).

زمین‌های روستای تُگه در دشت واقع شده‌اند و در نزدیکی سلسله جبال گرین هستند. زمین‌ها و باغات آن بسیار مرغوب‌اند و در سال‌های اخیر آبیاری بارانی در آن رواج یافته‌است. دامداری در روستای تُگه به شکل سنتی ادامه دارد و آقای عیسی سهرابی قصد دارد اولین واحد دامداری صنعتی را راه اندازی کند و تا کنون کار او ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

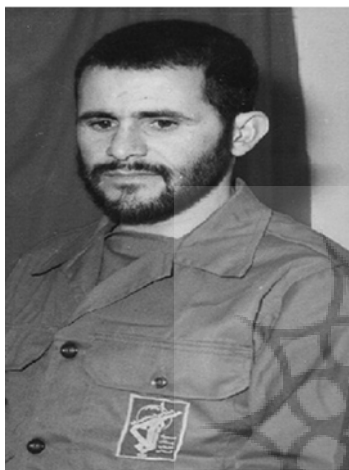
رسوم قدیمی به خوبی در روستای تُگه برگزاری می‌شوند

از جمله رسم‌های قدیمی روستای تُگه مراسم جمع‌آوری محصولات باغی و کشاورزی و پرداخت زکات آن به کمیته‌ی امداد و برگزاری جشن آن، جشن شب یلدا یا شب چله‌ی زمستان ویژه‌ی کودکان و بزرگسالان است، که با انواع میوه‌ها و خشکبار تولیدی روستا مانند کشمش، پرک زرد آلو و آلو، سنجد، گردو و بادام پذیرایی می‌شوند.

کودکان به همراه بزرگان خود به دور سفره می‌نشینند و قصه‌های خوب و قدیمی می‌شنوند. در این شب کمتر از تلویزیون و رادیو بهره می‌گیرند. رسم شال دورکی در شب‌چله در عید نوروز انجام می‌شود. از آئین‌های دیگر، جشن شب عید و لحظه‌ی سال تحویل همراه با حضور مردم در مسجد و گلزار شهداست. سپس دید و بازدید با فامیل و قوم و خویش برگزار می‌شود.

روز سیزده بدر نیز بیشتر مردم در باغ قدیمی روستا جمع می‌شوند و به اجرای بازی‌های سنتی (مانند هفت سنگ، الک دمبک، دالپلان) و ورزش‌های والیبال و فوتبال می‌پردازند. خانم‌ها نیز به تاب بازی مشغول می‌شوند. مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی در محرم و صفر و در نیمه‌ی شعبان و در ولادت و رحلت پیامبر و ائمه و در جشن پیروزی انقلاب نیز با حضور مردم و جوانان روستا برگزار می‌شود.

سردار حیدر سهرابی با لبخند شهادت به آرزویش رسید



همسر سردار شهید حیدر سهرابی می‌گوید: شهید حیدر سهرابی را تمامی دوستان و مردم و فامیل‌ها به راستگویی، نترس بودن و حمایت از مظلومان و دشمن ظالمان می‌شناسند. به گفته‌ی خیلی از دوستانش او در دوران عمر پر برکتش در قبل و بعد از انقلاب، هرگز از افراد زورگو و ظالم نترسیده بود و به بی‌باکی و شجاعت و سخاوت شهره‌ی عام و خاص بوده است.

سرکار حاجیه خانم پرگل سهرابی داستانی عبرت آموز و جالب از زندگی همسر شهیدش روایت می‌کند و می‌گوید: او دو سال قبل از شهادتش از خدا خواسته بود به هنگام شهادت در حالی که از دنیا می‌رود، لبخند رضایت بر لبانش نقش ببندد و این چنین به آرزویش رسید.

ماجرا از این قرار بود که دو سال قبل از شهادتش به تشییع جنازه‌ی یکی از شهدای هم‌رزمش به غسل‌خانه‌ی شهر رفته بود و آن شهید را در حالی دید که لبخند بر لبانش نقش بسته بود. همسرم که به منزل آمد باران بسیار شدیدی باریده بود و او در حالی که لباس‌های خیسش را از تن بیرون می‌آورد به من گفت: یعنی این

سعادت را، خدا نصیب من می کند که مانند رفیقم در لحظه‌ی شهادت لبخند بزنم؟ این نشان آن خواهد بود که خدا از من راضی شده است.

حاجیه خانم پرگل می گوید عکس‌هایش موجود است. به خدا که شهید من به آرزویش رسید و خوشا به سعادتش. این همسر شهید می گوید در سال ۱۳۶۴ از طرف تیپ انصار الحسین (ع) مصاحبه‌ای تصویری با همسرم انجام می شود و او در این مصاحبه از بین بردن صدام را توسط آمریکایی‌ها پیش‌بینی می کند و نوارش موجود است.

از جمله می گوید این صدام دیوانه‌ای است که اربابش آمریکا او را آورد و روزی او را باخت و خواری می برد و این مرد دیوانه به هم پیمانان خود نیز رحم نخواهد کرد که بعداً نیز این طور شد و صدام به کویت و عربستان حمله کرد و کویت را تصرف کرد.

همسر سردار شهید حیدر سهرابی همسرش را این گونه معرفی می کند: وی در نخستین طلیعه‌ی بهار ۱۳۳۸ در روستای سرسبز و با صفای تکه‌ی نهاوند دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی خود را در این روستا سپری کرد و تا کلاس سوم ابتدایی، در این روستا تحصیل کرد ولی به علت درگیری با یکی از مأموران سپاه دانش وقت از مدرسه اخراج و مجبور به ترک تحصیل شد (و بعد از انقلاب، در دوران دفاع مقدس تحصیلات را ادامه داد).

حیدر سهرابی پس از مهاجرت از روستا به تهران نقل مکان کرد و خیلی زود حرفه‌ی بنایی را یاد گرفت و به یک استاد برجسته‌ی کارهای تزیینی ساختمان تبدیل شد و روزگار می گذراند و امرار معاش می کرد. وی سپس در یک کارگاه ساختمانی به عنوان سرپرست چندین بنا و معمار مشغول به کار شد و به علت توهین مهندس آمریکایی، مسئول این کارگاه، به چند کارگر و بنای ایرانی، با وی به مشاجره‌ی لفظی

پرداخت و در جواب مهندس آمریکایی که گفته بود اخراجی، گفت: این جا مملکت ماست، اگر کسی باید اخراج شود این شما آمریکایی ها هستید نه ما ایرانی ها. وی بعد از مدتی بیکاری، در صدا و سیمای تهران مشغول به کار شد و در این دوران بود که به صورت مخفیانه فعالیت های خود را بر ضد نظام شاه آغاز کرد و در شب حمله ی گاردی های شاه به صدا و سیما، اسلحه به دست گرفت و از تلویزیون انقلاب حراست کرد.

وی بعدها عضو کمیته ی ۵۰ هزار نفری استقبال از حضرت امام (ره) شد و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلحه ی خود و برادران و چند نفر از همروستائیان خود را، که همراه وی بودند، به کمیته ی انقلاب اسلامی تحویل داد. از یادگاری های شهید سهرابی حکاکی نام خدا و آرم جمهوری اسلامی در نمای بیرونی بانکی در تجریش تهران و در مسجد روستای تُگّه است.

وی سپس، با شروع جنگ تحمیلی بر ضد ملت ایران، کار و زندگی را رها کرد و به مدت ۹ ماه به صورت بسیجی داوطلب به جبهه ها رفت. این در حالی بود که او هیچ گاه زیر پرچم شاهنشاهی خدمت سربازی نکرد ولی پس از مدتی به دلیل رشادت هایی که در دوران بسیجی از خود نشان داد به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد.

شهید سهرابی، که یک نیروی انقلابی نترس، دانا، ورزیده و زیرک بود، خیلی زود به همراه سردار رشید اسلام، جاوید اثر حاج احمد متوسلیمان به مدت ۹ ماه به عملیات برون مرزی در منطقه ی کردستان عراق با کمک پیش مرگان گُرد مسلمان حامی انقلاب وارد شهر شانه دري شدند و اداره ی استخبارات حزب بعث در آن شهر را به همراه چند هدف دیگر منهدم کردند و به ایران بازگشتند.

وی در طول دوران دفاع مقدس در ده‌ها عملیات مهم، مانند نبرد ارتفاعات کله قندی، جنگ‌های نامنظم کردستان، مریوان، چنگوله، آزاد سازی فاو، والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ و چندین عملیات دیگر شرکت کرد تا این‌که در بزرگ‌ترین عملیات دفاع مقدس، یعنی کربلای ۵ منطقه‌ی عملیاتی شلمچه در ۲۱ دی‌ماه ۱۳۶۵، در حالی که معاون گردان ۱۵۹ قیس بن مُسَهَّر از لشکر ۳۲ انصارالحسین(ع) بود، با این‌که از ناحیه‌ی دست مجروح شده بود به عقب جبهه برنگشت تا، پس از اصابت گلوله‌ی تک تیراندازان عراقی به پیشانی‌اش، به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمد. افتخارات شهید سهرابی در طول دوران دفاع مقدس تا لحظه‌ی شهادت عبارت بودند از:

- ۱- مسئول ارشادگاه نهاوند، که در آن دوران منافقین در آن نگهداری می‌شدند، ۲- مسئول حفاظت امام جمعه، ۳- مسئول آموزش پادگان مالک اشتر سراب گیان، ۴- مسئول گروهان ۱۵۲ ابوالفضل عباس(ع) نهاوند و ۵- معاون گردان ۱۵۹ قیس بن مُسَهَّر از لشکر ۳۲ انصارالحسین(ع) همدان. روانش شاد.

نادری، رزمنده‌ای که به سبب علاقه به امام خمینی فوتبال را رها کرد

(شهید) الله‌مراد نادری در دوم تیرماه ۱۳۴۰ در روستای تُکّه دیده به جهان گشود. شش ماه از تولدش نگذشته بود که پدر با ایمان و مؤمن خود را از دست داد. چند سال بعد هم، در اوج دوران شاد کودکی، مادر بزرگوار و گرامی‌اش به دیار باقی شتافت. وی در همان سنین کودکی تنها و بی‌کس شد و با توکل به خدا و زیر سایه‌ی برادر بزرگ‌ترش حسین‌مراد نادری، که او خود نیز سابقه‌ی مبارزاتی علیه رژیم ستم شاهی در تهران دارد و بعد از انقلاب چند سالی عضو شورای اسلامی روستای تُکّه بود و از معتمدین محلی‌ست، پرورش یافت.

الله مراد پس از طی دوران کودکی به دبستان انوشیروان آن زمان روستای تُکّه



شهید نادری در تیم امیدیه اهواز سال ۱۳۶۰

رفت و به تحصیل پرداخت. به گفته‌ی هم‌کلاسی‌ها و مردم روستا و معلمانش، او دارای شخصیتی دوست‌داشتنی بود، به طوری که مدیر دبستان، امور انضباطی و تقسیم تغذیه‌ی دانش‌آموزان را در اختیار او می‌گذاشت. وی نیز، با دقت

خاصی، بدون این‌که حق کسی را ضایع کند این کار را انجام می‌داد.

وی در ورزش مدرسه و به‌خصوص در فوتبال و مسابقات دو مدرسه سرآمد همه‌ی دانش‌آموزان بود. دست تقدیر و مشکلات فراوان اقتصادی آن دوران اجازه نداد او بیشتر از پنج کلاس، درس خود را ادامه دهد. به گفته‌ی برادرش، او پس از مدتی کار در تهران در دوران جوانی جذب صدا و سیمای وقت (رادیو و تلویزیون ملی) شد و در واحد تأسیسات مشغول به کار گردید و خیلی زود تمامی فوت و فن کارهای تأسیساتی مانند لوله‌کشی، برق‌کشی و نگهداری موتورخانه‌ی تأسیسات را یاد گرفت و به سبب اخلاق خویش مورد توجه مهندسین صدا و سیما قرار گرفت.

نادری در دوران انقلاب، در سال ۵۷ و قبل از آن، ضمن مبارزه با رژیم شاه، مخفیانه نوار و رساله‌ی امام را بین انقلابیون و دوستانی که می‌شناخت توزیع می‌کرد. وی در همان ایام که در صدا و سیما مشغول به کار بود عضو تیم فوتبال آنجا شد و در محلات تهران به این ورزش می‌پرداخت.

به گفته‌ی همکارش، علی‌حیدر سهرابی، وی در دورانی که همه نوع فحشا و منکراتی در جامعه رایج بود، برای این‌که دچار گناه نشود، به ورزش و عبادت می‌پرداخت

و اطاعت از دستورات امام خمینی (ره) را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌داد. بعدها که انقلاب پیروز شد، می‌گفت: خدا را شکر می‌کنم از این که انقلاب اسلامی را به چشم خود دیدم.

وی در دورانی حساس و در اوج انقلاب (بهمن ۵۷)، که صدا و سیما با حضور گاردی‌ها و ساواک شاه اداره می‌شد، با گرفتن اسلحه به دست به مبارزه با آن‌ها پرداخت و بعد از پیروزی انقلاب، اسلحه‌ی خود را تحویل کمیته‌ی انقلاب داد. در این زمان الله‌مراد هفده سال بیشتر نداشت.

او بعد از انقلاب تا سال ۱۳۵۹ در صدا و سیما بود. سپس داوطلبانه و یک سال زودتر در نوزده سالگی به جبهه اعزام شد، ضمناً در پادگان نیروی هوایی دزفول عضو تیم فوتبال این پایگاه و امیدیه‌ی اهواز شد. باتوجه به تسلطش به فوتبال، فرماندهان به او تأکید کردند که در پایگاه بماند و تا پایان خدمت عضو تیم شود ولی وی نپذیرفت.

نادری به دلیل بدن ورزیده‌ای که داشت دوره‌ی چتربازی و عملیات‌های چریکی و نبرد کوهستان را خیلی زود یاد گرفت و جزو نیروهای مخصوص شهید چمران در کردستان شد. وی بعد از این عملیات به پایگاه شهید نوژه‌ی همدان منتقل شد. او در این پایگاه نیز از ورزش غافل نبود و عضو تیم فوتبال آن‌ها شد.

وی در اواخر خدمت خود در بسیج ثبت نام کرده بود تا بعد از خاتمه خدمت عضو بسیج شود اما در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۱، با این‌که بیش از ۲۰ روز از دوران خدمت سربازی‌اش گذشته بود همچنان در جبهه باقی ماند و در یکی از عملیات‌ها، در منطقه‌ی قصرشیرین، پس از به دَرک واصل کردن بیش از ۲۶ عراقی، در حالی که تیربارش به علت شلیک زیاد گیر کرده بود و در حین آماده سازی آن، از ناحیه‌ی سر

و پیشانی مورد اصابت تک تیرانداز نیروهای بعثی عراق قرار گرفت و به شهادت رسید.

بعد از شهادت ایشان، برادرش حسین مراد نادری به ملاقات عمومی امام رفت و در این ملاقات تابلو فرشی به پاس قدردانی از شجاعت و شهامت این شهید به خانواده‌اش اهدا شد. حسین مراد می‌گوید: آن روز ملاقات با امام خمینی (ره) یک روز به یاد ماندنی و توأم با معنویت بود و آرزوی برادر شهیدم بود که هم امام را ملاقات کند و هم فدایی ایشان شود.

اهدای آن تابلو فرش یادگاری و ملاقات من به نیابت از شهید، خواسته‌ی هر دوتای ما بود. نادری در پایان گفت شهید ما در بیست و یک سالگی، در حالی که مجرد بود، در اوج جوانی از جان خود گذشت و با اطاعت از ولی امر خود به خدا رسید.

او در قسمتی از وصیت نامه‌اش ما را به اطاعت از رهبر، رعایت واجبات شرعی، امر به معروف و نهی از منکر و خواهران را به حفظ حجاب و جوانان را به تحصیلات و ورزش توصیه می‌کند. رحمت خدا بر او باد.

شهید پیرزادی ورزشکاری با اخلاق بود

(شهید) علی پیرزادی دریکم فروردین ماه ۱۳۴۳ در روستای تَگه دیده به جهان گشود. وی تنها شش ماه داشت که پدرش را از دست داد و تحت حمایت مادر و برادر بزرگش احمد علی بزرگ شد. به علت مشکلات مالی که داشت بیشتر از هفت کلاس را ادامه نداد.

علی، سپس به همراه دیگر برادر و جوانان روستا، به دنبال کار به تهران و دیگر شهرستان‌ها رفت. وی جوانی بسیار فعال و با ایمان بود و به ورزش دو و میدانی و به‌خصوص به فوتبال بسیار علاقه داشت و بعدها از بازیکنان اصلی تیم فوتبال تگه شد و همراه با (شهید) الله‌مراد نادری در بیشتر مسابقات فوتبال بین روستاها و در بعضی از شهرستان‌ها حضور داشتند و بارها مقام قهرمانی را کسب کردند. وی سابقه‌ی بازی در تیم استقلال و پرسپولیس تگه را دارد و منتخب روستای تگه بود.



در آن سال‌ها فوتبال تگه یکی از قوی‌ترین تیم‌های نهانند و در بین روستاها بود و هر کسی نمی‌توانست عضو تیم شود ولی علی پیرزادی به دلیل بازی زیبایش همیشه عضو تیم بود.

علی، پس از مدتی، داوطلبانه به جبهه رفت و در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۲ در منطقه‌ی عملیاتی أم‌الرصاص به وسیله‌ی سلاح‌های شیمیایی صدام و هم‌پیمانانش به شهادت رسید و جسدش پس از دوازده سال در ۲۸ صفر سال ۱۳۷۸ به زادگاهش در روستای تگه بازگشت. روحش شاد و راهش پررهرو.

یاد آوری می‌شود، هر ساله به یاد او و دیگر شهدای ورزشکار، در روستای تگه و شهرستان نهاوند و استان همدان مراسمی برگزار می‌شود.